

چرا آرائه تفسیر زنانه و مردانه از قرآن به نفع

بشر نیست؟

28 فروردین 1404

پژوهشگر زن و خانواده گفت: گاهی اوقات تفسیر زنانه و مردانه از قرآن آرائه می‌شود که معتقدم زن و مرد کردن جهان و معرفت در مجموع به نفع انسان نیست؛ نباید دعوای زن و مرد راه بیندازیم زیرا وقتی مردان می‌خواهند در مورد زنان حرف بزنند بدانند در مورد مادران و خواهران خود حرف می‌زنند و برعکس.

به گزارش مادران و دختران به نقل از خبر آنلاین؛ حجت‌الاسلام و المسلمین مهدی مهریزی در نشست علمی «رویکردهای تفسیری در مواجهه با چالش‌های آیات زن» با بیان اینکه قرآن نگاهی کاملاً برابر به زن و مرد دارد و زن را موجودی کامل می‌داند، گفت: برخی تفاوت‌های حقوقی و طبیعی را منشأ تفاوت‌های دیگر می‌دانند، ولی این مسائل در جنبه شخصیتی زن و مرد تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

بنا بر روایت ایکنای، وی با اشاره به نگاه مفسران به آیات مرتبط با زن و مرد به خصوص آیات چالشی، افزود: در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلامی، حول قرآن تفاسیر زیادی نوشته شده است؛ برخی از مفسران، فیلسوف، فقیه، متکلم و محدث و ادیب بوده‌اند و هر کدام از زاویه نگاه خودشان قرآن را تفسیر کرده‌اند؛ در صد ساله اخیر بیشتر محققان نگاه کردند که این همه اختلاف در تفاسیر قرآن چیست، لذا جریانات و مکاتب تفسیری مطرح و تفاسیر فلسفی مانند ابن سینا و ملاصدرا، عرفانی و صوفیانه مانند ابن عربی، تفاسیر فقهی و ... دسته‌بندی شد.

مهریزی بیان کرد: بنابراین هر تفسیری مبتنی بر یکسری مبانی معرفتی است؛ با بررسی بنده بر روی آیات چالشی مرتبط با زنان، خواهیم دید چالش و تفاسیر آنان نسبت به این آیات متفاوت است. نتیجه اینکه مفسران در مواجهه با آیات چالشی زن به چند گروه دسته‌بندی می‌شوند؛ رویکرد سنتی، رویکرد تبیینی، رویکرد روشنفکری و رویکرد نواندیشی. این چند گروه وجود دارد، ولی سنتی، قدیمی‌تر است و مابقی به تدریج ایجاد شده‌اند و نمونه‌هایی دارند.

وی اظهار کرد: رویکرد سنتی معتقد به تفاوت حداکثری بین زن و مرد است؛ یعنی چون خداوند بین زن و مرد فرق گذاشته است، جای چون و چرا نیست و نیاز به توجیه و تبیین و فلسفه ندارد؛ مثلاً در آیه «وَلِلرِّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ» لیست ۲۰ گانه دارند که مهریه را باید مرد بدهد، در ارث و قصاص و دیه تفاوت دارند، مرد توان بدنی و عقلی بیشتری دارد و ... لذا برای این مفسران اصلاً مسئله نبوده است که بخواهند به توجیه این تفاوت‌ها بپردازند و تفاوت را از خدا می‌دانند که انسان مؤمن باید بپذیرد.

مهریزی با بیان اینکه بنده در قرآن و مسئله زن به گونه‌شناسی تفاسیر قرآن پرداخته و رویکرد سنتی را در تفسیر ابوالفتوح رازی بررسی کرده‌ام که تفسیری فارسی از قرن ششم است، تصریح کرد: وی در ذیل آیه «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ»

وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ۚ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ؛ اشعار و روایات زیادی آورده است که زنان، شیاطین هستند که برای مرد خلق شده‌اند و از شر شیطان باید به خدا پناه برد، لذا معتقد به جدایی زن و مرد بودند زیرا زن و مرد مانند پنبه و آتش هستند؛ در اکثر تفاسیر قبل از دوره معاصر این رویکرد وجود داشت.

استاد حوزه و دانشگاه اضافه کرد: رویکرد دیگر رویکرد تبیینی است؛ تفاوت این گروه با گروه اول در این است که تفاوت بین زن و مرد قائل هستند، ولی در صدد تبیین و توجیه عقلانی آن بوده و هستند یعنی این نوع توضیحات را خلاف تعبد و دینداری نمی‌دانستند. البته گروه اول در دورانی بودند که زنان و مردان این تفاوت‌ها را پذیرفته بودند ولی گروه دوم با یکسری سؤالات مواجه بودند، لذا تلاش کردند آیات را توجیه کنند مانند تفسیر المنار در ذیل آیه ۳۴ نساء «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» گفته است که خیلی از فرنگی‌ها و فرنگی مآبان می‌گویند چرا خدا گفته است که مرد می‌توان زن خود را بزند.

رویکرد تفاسیر سنتی و تبیینی



وی ادامه داد: رشیدرضا می‌گوید این‌ها فکر کرده‌اند که زن نحیف لاغراندام در برابر مرد هیכלی رستم قامتی قرار دارد ولی نمی‌دانند که برخی زنان چه موجوداتی هستند و چه زبان و رفتاری دارند و مردان چاره‌ای جز رام کردن این زنان از طریق کتک زدن ندارند. در تفسیر نمونه هم در ذیل آیه آمده است: ممکن است ایراد کنند چگونه زن مورد تنبیه مرد قرار می‌گیرد و جواب می‌دهد: اولاً تنبیه برای افراد وظیفه‌شناسی است که هیچ راهی برای سر به راه کردن آنان نیست، ثانیاً روان‌کاوان معتقدند که برخی زنان مازوخیسم دارند و تنها راه رام کردن آنان تنبیه بدنی این نوع زنان است که تنبیه را از طریق علم توجیه می‌کند؛ در المیزان هم در مورد چرایی سرپرستی مردان، علامه گفته است زیرا عقل در مرد بیشتر و احساس در زنان بیشتر است، لذا مدیریت خانه باید با مرد باشد؛ بنابر این این تفاسیر تفاوت را می‌پذیرند ولی از طریق تبیین و استدلال آن را عقلانی جلوه می‌دهند.

پژوهشگر برجسته مطالعات زنان و خانواده ادامه داد: رویکرد روشنفکری و نواندیشی دینی از اساس معتقدند که زن و مرد برابر هستند، ولی در پاسخگویی به مسائل زنان متفاوت هستند؛ جریان روشنفکران دینی که بنده آنان را مسلمان و دیندار می‌دانم دانشگاهی و دارای تحصیلات جدیدی و مدارک جدیدی

هستند؛ نواندیشان دینی هم عمدتاً کسانی هستند که در حوزه‌های علمیه دینی اهل سنت و شیعه تحصیل کرده‌اند و پایگاه آنان حوزوی است نه دانشگاهی؛ تفاوت دیگر این دو گروه در آن است که جریان روشنفکری دینی قصد دارند یک کاسه به همه چالش‌ها جواب بدهند ولی جریان نواندیشی دینی تک تک سراغ موارد می‌روند و در جایی نتوانند جواب دهند به آن معترفند.

وی اضافه کرد: جریان روشنفکری دینی پایگاه دانشگاهی و نواندیشی پایگاه حوزوی حتی در الازهر و زیتونه و ... دارد؛ در روشنفکری دینی، پاسخ‌ها کلان است ولی در نواندیشی دانه دانه سراغ چالش‌ها می‌روند. ابوزید و آمنه ودود و لیلا احمد، قاسم امین، نظیره زین‌الدین جزء جریان روشنفکری هستند؛ مثلاً طاهر حداد گفته است، اسلام برای ذات زن حکمی نداده است که نتوان با تحولات زمانه توجیه کرد. در متون اسلامی چیزی نشانه ضعف زنان نیست بلکه برداشت‌هایی است که شده است.

برخی هم می‌گفتند قرآن دو بخش است؛ مکه و مدینه؛ قرآن مکه برای همه یکسان بود و عدالت و کرامت همه را دنبال می‌کرد ولی قرآن مدینه احکام و مقررات متفاوتی ایجاد کرد و قرآن، مکه جاوید است، زیرا تفاوت بین زن و مرد قائل نیست. یکی از روشنفکران ایرانی گفته است، احکام قرآن در دوره خودش، عاقلانه، عادلانه و پیش‌تاز بود و اگر احکام امروز اینگونه نیست باید تغییر دهیم.

تفکر نواندیشی

مهریزی با اشاره به نواندیشان دینی تصریح کرد: این گروه معتقدند اگر قرآن را با اصول زبانی خود بفهمیم این تفاوت‌ها مرتفع خواهد شد و نیازی به زمان‌مندی و قرآن‌مدینه و مکه گفتان نداریم. خود بنده هم همین نگاه را دارم و معتقدم اگر دقت ادبی در مورد آیات داشته باشیم و آن را یکجا جمع کنیم و دال مرکزی آیات را دقیقاً مورد توجه قرار دهیم این مسائل مرتفع خواهد شد؛ این نگاه سبب می‌شود تا بخشی از قرآن از خاصیت نیفتد؛ لذا در مورد آیه للرجال علیهن درجه معتقدم همیشه جاری و ساری است، زیرا می‌گوید ریاست برای نان‌آور توانمند است یا در آیه شهادت، تعلیل دارد که در آن دوره مصادیقی داشت و در دوره کنونی هم مصادیق دیگری. معتقدم همه چالش‌های بیست‌گانه مطرح شده توسط مفسران سنتی با این نگاه قابل پاسخ دادن است.

پژوهشگر مطالعات زن و خانواده بیان کرد: گاهی اوقات تفسیر زنانه و مردانه از قرآن ارائه می‌شود که معتقدم زن و مرد کردن جهان و معرفت در مجموع به نفع انسان نیست و باور دارم اگر زنان وارد مسائل معرفتی شوند مطالبی می‌فهمند که مردان شاید متوجه آن نشوند؛ نباید دعوای زن و مرد راه بیندازیم، زیرا وقتی مردان می‌خواهند در مورد زنان حرف بزنند بدانند در مورد مادر و خواهر و خاله و عمه خود حرف می‌زنند و برعکس. اگر چنین نگاهی باشد دیگر بحث زن و مرد و فائق شدن یکی بر دیگری مطرح نخواهد بود.



جهت چاپ آثار خود با ما تماس بگیرید

۰۹۳۰۳۳۱۴۸۳۸

مهریزی اظهار کرد: بنده تفسیر علامه طباطبایی که مفسر سنتی با جایگاه والاست با تفسیر مخزن العرفان بانو امین اصفهانی مقایسه کردم؛ سنین دو نفر یکسان است و هر دو سنتی هستند ولی بانو امین نکاتی را در آیات گفته است که علامه نگفته است، مثلاً در تفسیر آیه «أَوَمَنْ يُنْشَأُ فِي الْحُلِيِّهِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ» گفته است این آیه مربوط به کفار است و نه زنان ولی خیلی از مفسران مرتکب خطا شده‌اند یا در مقایسه ترجمه خانم صفارزاده و فولادوند در ذیل آیه قوامون آورده است، مردان سرپرست و پیشکار زنان هستند و در مورد فاضربوهن در آیه «وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ» گفته است آنان را مختصر کتک بزنید که مختصر در آیه نیست، ولی او چون زن است چنین رویکردی دارد.

پژوهشگر برجسته حوزه مطالعات زن و خانواده تصریح کرد: زنان و مردان دنیای همدیگر را دیر می‌فهمند ولی شکاف جنسیتی نه به نفع زنان و نه به نفع مردان است و اگر زنان در فضای فقهی و معرفتی حضور داشته باشند خیلی از اختلافات حل خواهد شد.

وی تاکید کرد: در کتب فقهی گفته‌اند مرجع تقلید باید مرد باشد زیرا مرجعیت نیازمند ارتباط با دیگران است و برای زن این کار سخت است؛ خانم صفاتی که زن است جواب داده است امروزه ایمیل و پیام‌رسان وجود دارد و نیازی به ارتباط گسترده بین زن و مرد نیست، لذا علم، تفسیر، فقه و اجتهاد و ... زن و ندارد که بخواهیم اینقدر تفاوت قائل شویم.